



چرایی عدم استفاده علامه طباطبایی از روایت در «بدایه»

استاد حوزه علمیه گفت: برخی می‌پرسند که حیف نیست در بدایه یک روایت وجود ندارد؟ این سؤال ناشی از آن است که به روش علامه توجهی ندارند.

استاد حوزه علمیه گفت: برخی می‌پرسند که حیف نیست در بدایه یک روایت وجود ندارد؟ این سؤال ناشی از آن است که به روش علامه توجهی ندارند. علامه توجه جدی به تراش محدثان شیعه دارد ولی نقد جدی هم به آن‌ها دارد و معتقد است که باید رویکرد اجتهادی به دین داشته باشند.

علی امینی نژاد به گزارش اینکنا، حجت الاسلام و المسلمین علی امینی نژاد، استاد حوزه علمیه، ۲۳ آبان ماه در مراسم بزرگداشت علامه طباطبایی که از سوی مؤسسه حکمت و فلسفه ایران برگزار شد، گفت: این شیوه سطح و خارج که امروز در فقه داریم به سایر رشته‌ها در حوزه بسط و گسترش داده نشده است که بنده نامه‌ای را به مدیریت حوزه در این باره نوشته و معتقدم ارزش دهی به رشته‌های غیر فقه و اصول هم مانند فقه و اصول ایجاد شود و سطح و خارج تفسیر و ادبیات و کلام و اخلاق و فقه معارف و ... داشته باشیم. اگر این مسئله رخ دهد، تحولی که مدنظر مقام معظم رهبری است، رخ خواهد داد.

وی افزود: مؤسسات اقماری که در حوزه شکل گرفت، خدمات زیادی به حوزه داشتند ولی آن تحول اساسی که مدنظر بود رخ نداد و باید به این سمت برویم.

امینی نژاد با اشاره به روش تألیفی از منظر علامه طباطبایی، تصریح کرد: بنده معتقدم رسیدن به روش تألیفی در راهپایی به مقاصد علمی بزرگ‌ترین دستاورد علمی است؛ چندپارگی روشی در غرب از بزرگ‌ترین رنج‌های بشر است یعنی راه فلسفه و عقل و کلام و عرفان و وحی و دین پژوهی کاملاً از همدیگر متمایزند؛ اگر کسی راه غرب را برود بحث دیگری است و این چندپارگی باعث چندپارگی درونی و فکری انسان می‌شود.

وی افزود: آن‌ها اگر راه دین را قبول کردند، باید بگویند عقل آن را قبول ندارد و برعکس؛ این چنین مسئله‌ای در ابتدای اندیشه ورزی اسلامی هم بود یعنی وقتی ابن سینا آمد، ستیزی جدی میان عقل و کشف و شهود بود و خود او آن را تخیلات شعری می‌دانست.

دعای عقل گرایی و شهود

وی ادامه داد: کسانی که در حوزه دین ورزی بودند نه به کشف و شهود و نه تجربه و عقل توجه داشتند و کسانی که در حوزه کشف و شهود بودند با عقل رویارویی می‌کردند. در فضای عرفانی شواهد زیادی وجود دارد که راه عقل را تخطئه می‌کردند. مثلاً عرفای اسلامی به ظاهر اشعری مسلک بودند زیرا احساس می‌کردند اشاعره به ظواهر شریعت بیشتر تن می‌دهند.

امینی نژاد گفت: در این فضا به تدریج تحولاتی رخ داد و دین پژوهان فهمیدند برای حل تناقضات بدوی قرآن باید به روش عقلی و کشف و شهود توجه کنند؛ در کنار این موضوع تحول در خورزان هم ایجاد شد و ابن سینا فهمید سخنان عرفا خیلی جدی است لذا شاهد تغییر نگاه او هستیم. از ناحیه فلسفه فهمیدند همانطور که شریعت جدی است، نمی‌توان به عرفا هم بی‌توجه بود لذا ملاصدرا در برابر ابن عربی خضوع به خرج داده است.

امینی نژاد اظهار کرد: تا چند سده، ستیزه جدی از سوی عرفا به عقل گرایان وجود داشت ولی به تدریج آن‌ها هم دچار تحول شدند و قبل از ابن عربی این تحولات شروع شد و خود او آن را توسعه داد و تلاش آنان این بود که بین عقل و کشف و شهود جمع کنند و این روش تألیفی به میزان زیادی در صدر المتألهین جمع شده است.

وی افزود: به تدریج اندیشمندان ما به این نتیجه رسیدند که باید بین این روش‌ها جمع کنند ولی هنوز برآیند آن در منطق و اصول خود را نشان نداده است؛ اندیشمندان ما به این نتیجه رسیدند که برای اطمینان بالای معرفت شناسی باید این روش‌ها کنار هم قرار بگیرند و اصل و فرع مشخص شود و از ضرب درشدن بخش‌های اصلی و فرعی این روش‌ها بحث باید جلو برود. اندیشمندان ما هم در حوزه دین شناسی، فلسفه ورزی و مباحث کشفی به این نتیجه رسیدند که باید این روش‌ها در کنار هم باشد.

چرا قرآن همیشه تازه است؟

امینی نژاد افزود: گاهی سؤال می‌شود که کشف مسئله شخصی است لذا چطور قابل اعتماد است؛ پاسخ اینکه کشف، روند علمی دارد از جمله کشف تاریخی که در دسترس کسانی مانند علامه است و ثمرات آن در دین شناسی بی‌نظیر است. قرآن با زبان فلسفی و حتی عرفانی سخن نگفته است بلکه متناسب با نیاز مخاطبان تا قیامت حرف زده است لذا همیشه و برای هر قومی تازه هست لذا با کلام اهل بیت(ع) هم قابل مقایسه نیست.

استاد و پژوهشگر حوزه علمیه با بیان اینکه در آینده کلام و عرفان و فلسفه به یک نقطه در همه مسائلشان خواهند رسید زیرا همه می خواهند یک حقیقت را کشف کنند، تصریح کرد: متکلم جدی نمی تواند به عقل و کشف بی اعتنا باشد؛ همچنین عارف و فیلسوف هم نمی تواند به کلام بی اعتنا باشد؛ متأسفانه امروز برخی می گویند که ما باید به دوره قبل برگردیم یعنی در کلام به سخنان اصحاب استناد کنیم و نه قرآن و روایات و این یک فاجعه است.

وی تأکید کرد: در المیزان روش تألیفی فهم متن با رویکرد به خود متن است؛ لذا اگر ما بخواهیم علم دینی تولید کنیم باید نگاه استکشافی به گزاره های دینی داشته باشیم نه اینکه استنادی باشد؛ باید استکشافی باشد تا بتوان آن را به جهان عرضه کرد و این، اوج نهایی تولید علم دینی است؛ علامه طباطبایی در ابتدای المیزان تفسیر فلسفی، عرفانی را نقد کرده است و فلسفه و عرفان را به خدمت فهم قرآن درآورده است ولی سبک تفسیر آیات به روش برخی از عرفا و فلاسفه را نپسندیده است.

امینی نژاد افزود: برخی می پرسند که حیف نیست در بدایه یک روایت وجود ندارد؟ این سؤال ناشی از آن است که به روش علامه توجهی ندارند. علامه توجه جدی به تراث محدثان شیعه دارد ولی نقد جدی هم به آن ها دارد و معتقد است باید رویکرد اجتهادی به دین داشته باشند.